گلستان

آغاز تکثیر فیل‌ماهی صید شده از آب‌های استان گلستان

مدیرکل شیلات استان گلستان گفت: بزودی و با استفاده از ۳/۳۱کیلوگرم خاویار حاصل از فیل‌ماهی صید شده از آب‌های استان، ۴۰۰ هزار لارو این ماهی خاویاری تولید خواهد شد. سیدجواد قدس علوی با اشاره به فیل‌ماهی ۲۲۲ کیلوگرمی صید شده از آب‌های استان اظهار کرد: این فیل‌ماهی دارای ۲۰ سال سن است و این بدین معناست که به سن بلوغ رسیده و این سن بهترین زمان برای تکثیر این ماهی است. وی با بیان اینکه در حال حاضر صید ماهیان خاویاری از دریای خزر محدود شده است، خاطرنشان کرد: چند سالی است بر اساس توافق ۵ کشور حاشیه دریای خزر صید ماهیان خاویاری تنها با هدف تکثیر و پرورش انجام می‌شود و با توجه به رو به انقراض بودن گونه فیل‌ماهی در این دریا، امیدواریم وضعیت این گونه باارزش طی این تکثیر و پرورش بهبود یابد.

■■■

صدور پروانه نظام مهندسی برای ۳۵۰ مهندس در گلستان

مدیرکل بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان گلستان اظهار کرد: امیدواریم همه مهندسان با ایده و فکر جدید تحولی خاصی را در مهندسی ساختمان ایجاد کنند. زمانی‌نژاد افزود: بنیاد مسکن انقلاب اسلامی ارتباط تنگاتنگی با نظام مهندسی استان دارد و به موازات سازمان نظام مهندسی، برای ۳۵۰ مهندس پروانه نظام مهندسی صادر کرده است تا روند ساخت واحدهای مسکونی روستایی با نظارت کامل این مهندسان و کارشناسان بنیاد مسکن در استان و شعب شهرستان انجام گیرد. مدیرکل بنیاد مسکن استان در ادامه اظهار کرد: در استان گلستان ۷۰ هزار واحد روستایی در برنامه مقاوم‌سازی قرار دارد که تاکنون احداث ۵۵ هزار واحد مسکونی انجام شده و موفق به دریافت پایان‌کار شده‌اند. وی در ادامه ضمن بیان اینکه بنیاد مسکن انقلاب اسلامی در بحث احداث مسکن روستایی بسیار با دقت و با نظارت مستمر مهندسان خبره انجام می‌شود، گفت: همه این واحدها ناظر فنی روستایی دارند و برای همه واحدهای احداثی پروانه ساختمانی و پایان کار صادر می‌شود.

سرنوشت عجیب وعده‌های مسؤولان استان لرستان

بیمارستان کوهدشت زیرکشت رفت!

بیمارستان ۲۵۰ تختخوابی شهرستان کوهدشت به‌جای آماده شدن برای خدمات درمانی به مردم، شخم زده شد و زیر کشت رفت! شهرستان کوهدشت در غرب استان لرستان و سومین شهرستان پرجمعیت استان است. این شهرستان با ۲۱۸ هزار نفر جمعیت تنها یک بیمارستان دارد؛ بیمارستان ۱۲۰تختخوابی امام خمینی(ره) کوهدشت جوابگوی نیازهای درمانی مردم نیست و به‌گفته اغلب شهروندان، در ارائه خدمات درمانی به بیماران ناتوان است. با گذشت ۲۴ سال از افتتاح این بیمارستان عمومی، همچنان حفره‌های درمانی، سلامت شهرستان کوهدشت را آزار می‌دهد به‌طوری که برخی بیماران مجبور هستند برای درمان با قبول رنج فرسنگ‌ها راه به شهرهای دیگر بروند. کمبودهای درمان و تجهیزات در شهرستان کوهدشت، مسؤولان استان لرستان را بر آن داشت که احداث بیمارستان دوم این شهرستان را با وعده‌های مختلفی در دستور کار خود قرار بدهند. هوشنگ بازوند، استاندار سابق لرستان در سفری به شهرستان کوهدشت در ۲۶ مرداد ۱۳۹۴ وعده پیگیری ساخت بیمارستان دوم شهر را که مجوز آن از ماده ۲۱۵ تأمین شده بود، داد. او در سفر خود به شهرستان کوهدشت گفته بود ساخت بیمارستان دوم در کوهدشت یکی از طرح‌های بلندمدت ارتقای سلامت در این شهرستان است که به واسطه اخذ موافقت مجوز ماده ۲۱۵ در زمره طرح‌های شناسنامه‌دار و پروژه‌های ملی با اعتباری بالغ بر ۱۲۰۰ میلیارد ریال قرار گرفته که تا پایان سال ۹۴ وضعیت نقشه‌های فاز یک و ۲ آن تعیین‌تکلیف و در سال آینده نیز عملیات اجرایی آن آغاز خواهد شد! در حالی استاندار سابق لرستان، عملیات اجرایی بیمارستان دوم شهرستان کوهدشت را به سال ۹۵ موکول کرده بود که در وعده‌ای دیگر رئیس شبکه بهداشت و درمان این شهرستان در نشست خبری با خبرنگاران در دی ۹۴ گفته بود در سفر وزیر بهداشت به شهرستان کوهدشت کلنگ بیمارستان دوم کوهدشت نیز به زمین زده خواهد شد! وعده‌ها برای افتتاح بیمارستان جدید این شهرستان در حال فراموشی بود که بار دیگر در بهمن‌ماه امسال با حضور موسی خادمی استاندار لرستان، رئیس دانشگاه علوم پزشکی استان و مسؤولان شهرستان کوهدشت کلنگ ساخت بیمارستان ۲۵۰ تختخوابی رازی در زمینی به‌مساحت ۱۲۰ هکتار در غرب میدان امام حسین(ع) کوهدشت و با اعتباری بیش از ۶۰ میلیارد تومان به زمین زده شد. هنوز ۲ ماه از کلنگ‌زنی بیمارستان جدید کوهدشت نگذشته که زمین اختصاص‌یافته برای احداث این بیمارستان شخم زده شده و به‌زیر کشت رفته و هیچ نشانی از عملیات ساخت این بیمارستان مشاهده نمی‌شود! در حالی عملیات ساخت بیمارستان دوم کوهدشت متوقف شده که استاندار لرستان در سفر خود به شهرستان کوهدشت گفته بود کلنگ بدون برنامه و اعتبار بر زمین زده نمی‌شود و برای همین عملیات اجرایی این بیمارستان باید هر چه سریع‌تر آغاز و پیگیری شود. یکی از شهروندان کوهدشت در گفت‌وگو با تسنیم می‌گوید: مردم شهرستان کوهدشت منتظر احداث بیمارستان جدید کوهدشت بودند اما به‌یک‌باره شاهد شخم زدن زمین و کشاورزی در آن هستیم. به‌گفته این شهروند که منتقد مسؤولان است، هنوز چند هفته‌ای از وعده‌های مسؤولان به مردم برای حل مشکلات بهداشت و درمان شهرستان نمی‌گذرد که این اتفاق رخ داده و زمین بیمارستان ۲۵۰ تختخوابی شخم زده شده. یکی دیگر از شهروندان کوهدشتی می‌گوید در برخی شب‌ها که برای درمان به بیمارستان کوهدشت مراجعه کرده، پزشک متخصص در بیمارستان نبوده و برای ادامه درمان مجبور شده به کلینیک‌های درمانی در خارج از استان مراجعه کند. او معتقد است وقتی خبر ساخت بیمارستان دوم کوهدشت را پس از سال‌ها وعده شنیده، نه‌تنها خوشحال شده، بلکه آن روز را در تقویم جیبی خود ثبت کرده است. به گفته حسینی، این خوشحالی مردم از ساخت بیمارستان دوم کوهدشت دوام نیاورده و بار دیگر وعده ساخت بیمارستان به زیر کشت رفته تا همچنان آب خوش از گلوی سلامت و درمان شهرستان کوهدشت پایین نرود. او می‌گوید پس از سال‌ها وعده بیمارستان در شهرستان کوهدشت، آیا باید این‌گونه با اختصاص زمین بیمارستان به زمین کشاورزی با درمان مردم بازی شود؟ آیا مردم کوهدشت در طرح تحول سلامت جایگاهی ندارند؟ به گزارش تسنیم، برای پیگیری این ماجرا با رئیس شبکه بهداشت و درمان شهرستان کوهدشت تماس گرفته شد که با ادبیاتی غیرمسؤولانه حاضر به پاسخگویی به پرسش‌های خبرنگار نشد.

■■■

سهم ایران از درآمد ۴۰ هزار میلیاردی پوشاک؛ تقریبا هیچ!

مدیرعامل یک شرکت تولیدی با بیان اینکه گردش مالی صنعت پوشاک در کشور ۴۰ هزار میلیارد تومان است، گفت: غفلت از این صنعت درآمدزا موجب شده است بازار ایران به‌دست خارجی‌ها بیفتد. این در حالی است که در صورت توجه به تولید داخل و برندسازی کالاها می‌توان مانع خروج ارز شد و این ۴۰ هزار میلیارد تومان درآمد سالانه صنعت پوشاک را نصیب کشور کرد. شاهین فاطمی، فعال اقتصادی و مدیرعامل چرم درسا در مراسم رونمایی از نخستین کلکسیون‌های این شرکت با کریستال‌های سواروسکی با اشاره به اینکه در ۳ سال گذشته طبق فرمایشات مقام معظم رهبری که تاکید دارند باید به سمت اقتصاد مقاومتی و توجه به تولید ملی حرکت کنیم، این شرکت نیز سعی در خودکفایی در صنعت پوشاک و همچنین حضور میان برندهای برتر دنیا در بازار بین‌الملل را دارد، افزود: در صنعت پوشاک، این شرکت نخستین برندی است که توانسته دانش فنی یک برند اروپایی را از آن خود کند. وی تصریح کرد: اکنون توانسته‌ایم دانش طراحی، دانش خط تولید و دانش ارتباطات جهانی را از برند سواروسکی اخذ کنیم تا تولیدمان به عنوان یک محصول تمام‌ایرانی بتواند به بازارهای بین‌المللی ورود کند. فاطمی اضافه کرد: در کشور ما مصرف کفش به طور حدودی در سال ۲۱۰ میلیون جفت است. ما بخش بزرگی از این صنعت را از طریق واردات کالای آماده از بین برده‌ایم. وی ادامه داد: باید برای ساخت اقتصاد پایدار در کشور، سهم ساخت داخل را زنده کنیم. اگر بتوانیم تولیدات داخل را به صورت صحیح به فروش داخلی برسانیم، یعنی توان ارزآوری را افزایش داده‌ایم. همچنین «اندرو موجیکا» مدیرعامل سواروسکی نیز در این مراسم با اشاره به اینکه ما با برنامه‌های بلندمدت و دقیق به همراه چرم درسا وارد ایران شدیم، افزود: اقتصاد ایران یک اقتصاد در حال پیشرفت است و خوشحالیم به بازار آینده‌داری چون ایران وارد شدیم. در بخش دیگری از این مراسم امیرکاظم نورمحمدی، بنیانگذار و رئیس هیأت‌مدیره درسا با بیان اینکه برای آینده‌پژوهی اقتصاد ایران، باید به فرهنگ اقتصادی کشور بپردازیم، اظهار کرد: امیدوارم با فرصتی که امروز در صنعت پوشاک کشور ایجاد شده است، بتوانیم اقتصاد کشور را شکوفا کنیم.

خراسان‌رضوی

تأسیس بانک قرض‌الحسنه آستان قدس در انتظار تصویب بانک مرکزی

قائم‌مقام تولیت آستان قدس رضوی گفت: تقاضای تاسیس بانک قرض‌الحسنه آستان قدس در انتظار تصویب بانک مرکزی است. به گزارش تسنیم از مشهدمقدس، مرتضی بختیاری در تشریح اقدامات ۲ ساله آستان قدس رضوی اظهار داشت: ۲۰۰ اتفاق متفاوت و جدید در این ۲ سال در آستان قدس رضوی رخ داده است که یکی از آنها تبدیل شدن مشهد به مرجعیت علمی در جهان اسلام است. وی گفت: امروز مأموریت رسیدگی به محرومان و مستضعفان برای آستان قدس رضوی تکلیف شده و باید تمام بضاعت این آستان مقدس برای رسیدگی به محرومان به کار گرفته شود. وی ادامه داد: محرومیت‌زدایی آستان قدس رضوی فقط ویژه مجاوران نیست. امروز به‌رغم گذشت چندین ماه، خادمان بارگاه ملکوتی حضرت رضا(ع) هنوز در کرمانشاه مستقر هستند و با عنوان قرارگاه امام‌رضایی‌ها به زلزله‌زدگان خدمت‌رسانی می‌کنند. بختیاری افزود: به دنبال خدمت به محرومان از طریق وام‌های قرض‌الحسنه هستیم که تقاضای تأسیس آن به بانک مرکزی ارسال و مراحل آن هم طی شده است و منتظر موافقت بانک مرکزی هستیم تا در شورای‌عالی پول بررسی و تأیید شود.

خراسان‌شمالی

خطر بیابان‌زایی و هجوم ریزگردها خراسان شمالی را تهدید می‌کند

مدیرکل منابع طبیعی و آبخیزداری خراسان شمالی گفت: ریزگردها در استان رصد شده و خطر بیابان‌زایی و هجوم ریزگردها خراسان شمالی را تهدید می‌کند. به گزارش تسنیم از بجنورد، حسن وحید در مراسم بزرگداشت هفته منابع طبیعی گفت: هر ساله به صورت نمادین روز درختکاری در اسفند ماه معین شده است، در صورتی که بهترین فصل برای درختکاری پاییز است تا با مشارکت همه اقشار مردم، نهال کاشته شود. وی افزود: در راستای ترویج فرهنگ منابع طبیعی و محیط‌زیست، گام‌های موثری برداشته شده ولی منابع طبیعی دستخوش تغییرات زیادی شده و منابع طبیعی استان شرایط مناسبی ندارد. خشکسالی‌های پی در پی و بهره‌برداری مفرط از منابع طبیعی، مخاطرات زیست‌محیطی به وجود آورده و ضررهای زیادی به انسان‌ها وارد کرده است.

شبکه‌سازی از سلطنت‌طلبان در عصر افول سلطنت‌طلبی

نگاه

ادامه از صفحه اول

لذا تنها تفاوت صوری الان با گذشته این است که همان شبکه قدرت با کمی تغییرات این بار بدون حکومت پهلوی و با نام دیگری مثل «جمهوری ایرانی» و... احیا شود، لذا در نقد نویسندگانی که معتقدند جمهوری اسلامی هیچ آلترناتیوی ندارد و سرنوشت پروسترویکای شوروی در کمین ایران است؛ به این معنا که یکی از جریان‌های قدرت (متشکل از چند الیگارشی و بروکراسی متصل به هم) در ایران با کمک یک مافیای اطلاعاتی به قدرت می‌رسد، باید آن تحلیل و نظر را نادرست ارزیابی کرد.

در تبیین سخن بالا، مهم‌ترین دلیل این است که چنین جریان قدرتمندی در ایران وجود ندارد تا بتواند یک براندازی درون سیستمی انجام دهد. جامعه سیاسی ایران تنها ۲ قطب اصلی دارد: جریان مردمی متصل به روحانیت که بومی است و در بطن تاریخ و جامعه ایران ریشه دارد و قدرت خویش را از آنجا می‌گیرد و جریان غرب‌مدار که در اتکای به قدرت غرب توان ماندن و رقابت دارد. در ماجرای پروسترویکا (بازسازی) ایرانی روشن است که این اقدام شبه‌براندازانه و جابه‌جایی در قدرت از سوی نیروهای مذهبی نخواهد بود، چون آنها خود «تز» هستند؛ نه «آنتی‌تز». در حالی که طبق تعریف، «آنتی‌تز» همان جریان غرب‌مدار حاضر در ساختارهای قدرت در جمهوری اسلامی است که به دگرگونی می‌اندیشد. بر این اساس، خوب است بدانیم این جریان بدون حمایت و پشتیبانی غرب هیچ قدرتی ندارد و لذا بر فرض که با حمایت غرب در یک دوره انتقالی به قدرت برسد، ماندن آن در قدرت تا جایی است که غرب بخواهد. پس این جریان یا باید بتواند غرب را متقاعد کند که در «شبکه سلطنتی» یادشده، این بخش از همه مفیدتر و مقتدرتر است یا باید بزودی قدرت را به بخش‌های دیگر موجود در شبکه واگذار کند. همانطور که پس از کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ این «رضاخان قزاق میرپنج سوادکوهی» بود که توانست گوی سبقت را از دیگران برباید و در عرض ۴ سال خود را به «رضاشاه پهلوی، سلف اردشیر بابکان و شاهان بزرگ و منجی ایران» تبدیل کند، اکنون هم بوی آشنایی به مشام می‌رسد!

نکته مهمی که در همینجا باید تصریح شود آن است که «ساختار» چنین قدرتی لزوماً باید استبدادی باشد، لذا همانطور که حکومت پهلوی به دولت مطلقه غرب‌مدار انجامید، هر حکومت غرب‌گرای دیگری هم محکوم به استبدادی شدن و مطلقه‌گرایی است. علت نیز روشن است؛ اینکه ریشه در جامعه ایران ندارد و پدیده‌ای برساخته غرب است. معلوم است که چنین حکومتی بدون استبداد و مطلقه‌گرایی ثبات و توان ماندن ندارد. این مساله در حقیقت پارادوکس کشورهای جهان سومی از قبیل ایران است که غرب‌گرایانش شعار آزادی سر می‌دهند اما چون ریشه در این آب و خاک نداشته و برساخته سرویس‌های غربی هستند، در نهایت به حکومت مطلقه و استبدادی می‌انجامند اما نکته هشدارآمیز این است که برخلاف حکومت مطلقه پهلوی که تمایلی به توده نداشت و به دیکتاتوری انجامید، این‌بار اگر غرب موفق شود چنین حکومتی را در ایران تأسیس کند، به دلیل سیاست‌های پوپولیستی الیگارشی نوین قطعاً به فاشیسم و تمایل به سرکوب شدید جامعه از طرق فاشیستی می‌انجامد.

درباره اصطلاح «شبکه» توضیح این نکته لازم است که نویسنده به معنای خاص شبکه که همان «نت‌ورک» است نظر دارد؛ چنانکه می‌دانیم ساختارهای سازمانی و تشکیلاتی انواع مختلفی دارد. مهم‌ترین این ساختارها عبارتند از: ساده، وظیفه‌ای، ماتریسی، جغرافیایی، ادهوکراسی و شبکه‌ای. لذا وقتی در این متن از شبکه سخن به میان می‌آید مقصود همین ساختار است که به نسبت جدید و دارای ویژگی‌های خود است. ساختار شبکه‌ای که نمی‌خواهد زیر بار شرایط سخت و انعطاف‌ناپذیر ساختارهای سنتی سازمانی قرار گیرد هم ساده است و هم پیچیده. سادگی آن در این است که متشکل از حلقه‌ها و شبکه‌های فرعی ساده است و پیچیدگی آن هم در پیوندی است که میان آن سازمان‌های کوچک برقرار است. در عصر جدید همانطور که در حوزه نظامی تشکیلات پارتیزانی در کنار ارتش کلاسیک اهمیت خود را اثبات کرده است، در حوزه‌های اطلاعاتی و سیاسی نیز بر ساختارهایی جدید در شرایط امروز تأکید می‌شود. در اینجا دیگر مانند ساختارهای سازمان‌های کلاسیک روابط و نظام سلسله‌مراتبی روشنی مشهود نیست، بلکه شبکه متشکل از سازمان‌های مختلف کوچک و بزرگی است که به ظاهر مستقل هستند و هر کدام برای خود و در حوزه اهداف تعیین شده فعالیت می‌کنند اما در این شبکه یک مرکز هدایت وجود دارد که پیشبرد اهداف شبکه و هدایت سازمان‌های کوچک وابسته را در اختیار دارد. با این توضیح تصریح می‌شود که شبکه سلطنت‌طلبان متشکل از نهادها و سازمان‌های مختلفی است که در حوزه‌های مختلفی فعالیت می‌کنند و مرکز هدایت این شبکه نیز در «ناتوی اطلاعاتی» و اتاق‌های فکر آن قرار دارد.

سخن آخری که در این نوشته باید به آن پرداخته شود این است که اگر شبکه سلطنت‌طلبان از ایدئولوژی سلطنت‌طلبی عدول کرده، کدام ایدئولوژی را جایگزین آن کرده و در راستای تولید و تقویت آن چه اقداماتی انجام داده است؟ نویسنده این ایدئولوژی را در طول سال‌های گذشته «نومحافظه‌کاری» نامیده که در مرز سلطنت‌طلبی و فاشیسم قدم برمی‌دارد. ایدئولوژی شبکه سلطنت‌طلبان هنوز انسجام و قوام لازم را نیافته است. با این وجود آنها در تکوین ایدئولوژی خود از دو رویکرد کلی بهره می‌برند: رویکرد سلبی و ایجابی. در رویکرد سلبی هدف مبارزه با ایدئولوژی اسلامی است و در رویکرد ایجابی بر سر اهداف اختلاف‌هایی به چشم می‌خورد و بخش‌های مختلف شبکه هنوز اتفاق نظر ندارند اما برای آغاز، گروهی از مورخان را بسیج کرده‌اند تا به تاریخ‌سازی و بازنویسی روایت ایرانیان از خود بپردازند. فعالان داخلی این شبکه تاریخ‌ساز بسیاری‌شان به همان شبکه یهودی و بهایی تعلق دارند که در ترویج این ایدئولوژی ایفای نقش می‌کنند.

گروه تاریخ‌نویس و ایدئولوژی‌پرداز وابسته به شبکه سلطنت‌طلبان، نقاط سیاه تاریخ معاصر ایران را در ۳ مقطع دوران ناصری، سال‌های انقلاب اسلامی و دوران پسااصلاحات (۸۴ تا ۹۲) در ایدئولوژی خود برجسته و معرفی می‌کنند. این روایت ایدئولوژیک از تاریخ معاصر در همان ائتلاف خاندان‌های سلطنتی و الیگارشیک ریشه دارد. چنان که می‌دانیم از میان خاندان‌های قجری حاضر در حکومت پهلوی، مهم‌ترین خاندان‌ها به عباس‌میرزا و مظفرالدین‌شاه تعلق داشتند. در روایت شبکه سلطنت‌طلبان و از جمله این طیف، دوران ناصری باید دوران سیاهی تاریخ ایران عنوان شود. در این طریق نویسندگان بیانی و بهایی بیشترین تلاش‌ها را به خرج داده‌اند. سپس دوران شکوهمند(!) مشروطه و پهلوی از نگاه آنان آغاز می‌شود که این دوره با وقوع انقلاب اسلامی از توقف می‌ایستد. با وجود این، مدتی بعد، دوباره دولت‌هایی بر سر کار می‌آیند که تلاش دارند همان سیاست‌های «توسعه‌گرایانه» دوران پهلوی را البته با سرعتی کمتر به اجرا بگذارند. در ایدئولوژی آنها تمام بدبختی‌های کشور به «انقلاب» بازمی‌گردد و در راستای بد بودن انقلاب تئوری‌پردازی می‌کنند. خیلی هم که بخواهند به عقب بازگردند به دوران ناصری می‌رسند. در این میان آنها حتی از موضوعات کم اهمیتی چون استهزای دختران و زنان ناصرالدین شاه نمی‌گذرند و آن را به یکی از سوژه‌های ثابت خود تبدیل کرده‌اند.

*پژوهشگر تاریخ و سیاست

حجاب اجباری؛ استدلال دروغین روشنفکران

دیدگاه

ادامه از صفحه اول

... تولید فیلم و انیمیشن تا برپایی کمپین‌ها و تجمعات که توسط عوامل داخلی و خارجی پیگیری می‌شود، البته پرواضح است پیگیری مطالبات بحق زنان امری لازم و ضروری است و کسی منکر آن نیست اما باید متوجه دستاویز قرار دادن آن توسط دشمنان بود.

حال سوال این است: مساله حجاب چه نقشی در رشد و توسعه ایران دارد؟! و آیا در میان موضوعاتی که مردم به آن می‌اندیشند جایگاه دارد یا خیر؟! و آیا توده مردم آن را به عنوان بخشی از سبک زندگی ایرانیان پذیرفته‌اند یا امری تحمیلی می‌دانند؟ یا حتی در نقطه مقابل بیشتر از اینکه خواهان برداشتن قانون حجاب باشند، نگران تساهل حاکمیت برابر برهنگی‌ها و ساختارشکنی‌های موجود هستند؟ در دعواهای سیاسی هر سمتی تلاش می‌کند با توسل به شبه‌استدلال‌هایی، ادعاهای خود را اثبات کند اما تحقیقات گسترده علمی نشان از این دارد که مسأله حجاب اساسا در میان اولویت‌های ایرانیان قرار ندارد.

در سال‌های اخیر زمانی که عده‌ای از مردم نسبت به هنجارشکنی برخی افراد در زمینه پوشش اعتراض می‌کردند و خواهان برخورد جدی حاکمیت با آن بودند، جمعی با پزی روشنفکرانه مشکل جامعه ما را فراتر از «بی‌حجابی» بلکه فساد و بی‌عدالتی و... می‌دانستند و همچنین گره زدن امر به معروف و نهی از منکر را با موی زنان و دختران اموری پیش پا افتاده تلقی می‌کردند و معتقد بودند باید به مسائل اساسی‌تری اندیشید. حال همین سوال را می‌توان از کسانی که بسیاری از ظرفیت جامعه را درگیر این مبحث کرده‌اند، پرسید: آیا واقعا مشکل اساسی جامعه ما و سد بنیادینی که مانع رسیدن جامعه ما به رشد و توسعه حقیقی است، نشان دادن یا ندادن موی سر یا بودن و نبودن روسری است؟!

آیا در جهان ما دهها کشوری که تحت تاثیر غرب و همین فشارها و مباحث ساختگی، نظام پوشش خود را تغییر دادند و نه‌تنها پوشش سر را رها کردند، بلکه این روند را تا پذیرش تقریبا برهنگی کامل در ملأعام و انظار عمومی ادامه دادند، توانسته‌اند روند توسعه را طی کنند و اگر چنین است چرا از بین بیش از ۲۰۰ کشور که اتفاقا اکثریت آنها تحت تاثیر هژمونی غربی پوشش خود را تغییر داده‌اند، تنها حدود ۸ کشور توسعه‌یافته تلقی می‌شوند و با کمی اغماض این تعداد به حدود ۲۰ کشور می‌رسد؟ آیا تغییر نظام پوشش به سمت فرهنگ برخاسته از لیبرالیسم و سکولاریسم، بیشتر کشورهای توسعه‌نیافته را به تولید و اشتغال و فرهنگ و اجتماع گرایش می‌دهد یا به مصرف و سکس و ازهم‌پاشیدگی خانواده منجر می‌شود؟

جالب اینجاست در این موضوعات یعنی مباحث مربوط به سکسوالیته مانند پوشش و خانواده؛ آن کشورهایی که به نوعی توسعه یافته‌اند و الگو تلقی می‌شوند درگیر مشکلاتی اساسی هستند که براحتی می‌توان آن را در میان آمار و ارقام اعلام شده از درون خود آنها مطالعه کرد. در واقع اگر کسانی در دهه‌های پیش مانند میرزا ملکم‌خان و تقی‌زاده از غربی شدن می‌گفتند، شاید شاهد این آمار و ارقام در این کشورها در زمینه مباحث جنسی و خانوادگی و عاطفی نبودند اما جای بسی تعجب است که چگونه امروز با دسترسی به این اطلاعات، باز عده‌ای در داخل کشور خواهان حرکت ایران در این نظامات به سمت غربی شدن هستند؛ تعداد بالای آمار طلاق و کودکان بدون سرپرست، افزایش کودکان نامشروع (مثلا حدود ۵۰ درصد در آمریکا و اروپا که در گذشته نه چندان دور کمتر از ۵ درصد بوده است)، افزایش کودکان در خانواده‌های تک والدی، مشکلات عاطفی فراوان، روند رو به افزایش همجنس‌گرایی و رسمیت‌بخشی به آن، افزایش تجاوزات و سوءاستفاده‌های جنسی، رسمی شدن ازدواج با حیوانات، تقلیل زن به ابزاری جنسی و بی‌هویت کردن او و صدها مورد دیگر که آمار و ارقام همه آنها در گزارش‌های روزانه‌ای که از سوی نهادهای رسمی موجود در خود این کشورها ارائه می‌شود.

حال جالب‌تر اینکه عده‌ای با سوءاستفاده از ابزار رسانه و فشارهای داخلی و خارجی می‌خواهند همین روند را در ایران طی و این موضوعات را تبدیل به دغدغه اساسی مردم کنند، در حالی که بی‌تفاوتی مردم به هنجارشکنی‌های اخیر خود گواه دیگری می‌دهد. هنجارشکنی عده‌ای معدود که ارتباط برخی از آنها با سفارت‌های خارجی و احزاب داخلی مشخص است نشان از بازی‌ای دارد که گویا می‌خواهند ذهن ما را درگیر مباحث غیراساسی کنند و به جای اینکه نگران مسائل اساسی جامعه خود مانند اشتغال، اعتماد اجتماعی، سرمایه اجتماعی، رونق اقتصادی، اخلاق جمعی، تسهیل ازدواج جوانان، آموزش و پرورش و... باشیم، به موضوعات پیرامونی بیندیشیم و بر سر آن سرمایه‌های مادی و معنوی‌مان را هزینه کنیم، در حالی که آنها کمترین نقشی در رشد و توسعه حقیقی کشور ندارند، البته اگر بازدارنده نباشند.

همانطور که اشاره شد گویا مردم با بی‌تفاوتی خود به این مباحث، می‌خواهند نشان دهند دغدغه آنها چیزهای دیگری مانند: کار و گرانی و... است و با زبان بی‌زبانی از بازیگران این نمایش‌ها می‌خواهند وقت و انرژی جامعه و نخبگان را مصروف مباحث جعلی و کاذب نکنند اما صد حیف که هنوز هم در میان مسؤولان و نخبگان قدرت، عده‌ای دانسته و نادانسته وارد این بازی می‌شوند و به جای پیگیری مطالبات اصلی مردم هیزم این آتش شده‌اند و زمینه را برای ادامه بیش از پیش این روند فراهم کرده‌اند و عده‌ای بویژه از بازیگران بیرونی این جریان با بهانه قرار دادن این مسائل دست به دامان دشمنان این سرزمین می‌شوند تا با تحریم و تهدید و... فشار بر حاکمیت وارد کنند.

چنین روندی نه‌تنها مردم را در رسیدن به مطالبات حقیقی خود کمک نمی‌کند، بلکه فشارهای اقتصادی را بر آنها می‌افزاید و ایشان را از دغدغه‌های اساسی خود دورتر می‌کند که این خیانتی آشکار است. با این حال عده‌ای در حال بازی با منافع مردم برای رسیدن به مطامع خود و صاحبان‌شان هستند.

www.vatanemrooz.ir